



ایران باستان

آریاییان از ایران به دیگر سرزمین‌ها مهاجرت کردند نه از بیرون به ایران!

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۸ مرداد ۱۳۹۱ - ۸ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

بیشتر منابع تاریخی، مردمان امروزه ایران را بازماندگان آریاییانی می‌دانند که از سرزمین‌های دوردست شمالی به سوی جنوب و سرزمین فعلی ایران کوچ کرده‌اند و مردمان بومی و تمدن‌های این سرزمین را از بین برده و خود جایگزین آنان شده‌اند. تاریخ این مهاجرت‌ها با اختلاف‌های زیاد در دامنه وسیعی از حدود ۳۰۰۰ سال تا ۵۰۰۰ سال پیش؛ و خاستگاه اولیه این مهاجرت‌ها نیز با اختلاف‌هایی زیادتر، در گستره وسیعی از غرب و شمال و مرکز اروپا تا شرق آسیا، حوزه دریای بالتیک، شبه‌جزیره اسکاندیناوی، دشت‌های شمال آسیای میانه و قفق



بیشتر منابع تاریخی، مردمان امروزه ایران را بازماندگان آریاییانی می‌دانند که از سرزمین‌های دوردست شمالی به سوی جنوب و سرزمین فعلی ایران کوچ کرده‌اند و مردمان بومی و تمدن‌های این سرزمین را از بین برده و خود جایگزین آنان شده‌اند. تاریخ این مهاجرت‌ها با اختلاف‌های زیاد در دامنه وسیعی از حدود 3000 سال تا 5000 سال پیش؛ و خاستگاه اولیه این مهاجرت‌ها نیز با اختلاف‌هایی زیادتر، در گستره وسیعی از غرب و شمال و مرکز اروپا تا شرق آسیا، حوزه دریای بالتیک، شبه‌جزیره اسکانندیناوی، دشت‌های شمال آسیای میانه و قفقاز، سیبری و حتی قطب شمال ذکر شده است. دامنه وسیع این اختلاف‌ها، خود نشان‌دهنده سستی نظریه‌ها و کمبود دلایل و برهان‌های اقامه شده برای آن است.

اغلب متون تاریخی معاصر، این خاستگاه‌ها و این مهاجرت بزرگ را تنها با چند جمله و عبارت کوتاه و مبهم و غیر دقیق به پایان رسانده و این مبانی مهاجرت را دقیقاً معرفی نکرده و آنرا بطور کامل و کافی مورد بحث و تحلیل قرار نداده‌اند. در این متون اغلب به رسم نقشه‌ای با چند فلش بزرگ اکتفا شده است که از اقصای نقاط سیبری و از چپ و راست دریای مازندران به میانه ایران زمین کشیده شده است.

از آنجا که می‌دانیم مهاجرت‌های انسانی و جابجایی تمدن‌ها در طول تاریخ همواره به دلیل دستیابی به «شرایط بهتر برای زندگی» بوده است، در دوران باستان این «شرایط بهتر» بویژه عبارت از آب فراوان‌تر و خاک حاصلخیزتر بوده است. اگر چنانچه بتوانیم دلایلی برای این گمان فراهم سازیم که در روزگار باستان ویژگی‌های آب‌وهوایی و چشم‌انداز طبیعی در فلات ایران مناسب‌تر از روزگار فعلی بوده است؛ و از سوی دیگر مشخص شود که خصوصیات آب‌وهوایی در سرزمین‌های شمالی ایران نامناسب‌تر از امروز و حتی روزگار باستان بوده است؛ می‌توانیم مهاجرت بزرگ آریاییان به ایران امروزی را با تردید مواجه کنیم و حتی احتمال مهاجرت‌هایی از ایران به نقاط دیگر جهان را

مطرح سازیم. از آنجا که رشد و ازدیاد جمعیت همواره در زیست‌بوم‌های مناسب و سازگار با انسان رخ داده است، بعید به نظر می‌رسد که جوامع کهن، سرزمین با اقلیم مناسب و معتدل ایران را نادیده گرفته و در سرزمین‌های همیشه سرد و یخبندان سیبری، روزگار بسر برده و پس از آن متوجه ایران شده باشند. و همچنین می‌دانیم که در تحقیقات میدانی نیز سکونتگاه‌هایی نیز در آن مناطق پیدا نشده است. ما در این گفتار به این فرضیه خواهیم پرداخت که ایرانیان یا آریاییان «به ایران» کوچ نکردند، بلکه این آریاییان از جمله همان مردمان بومی ساکن در ایران هستند که «در ایران» و «از ایران» کوچ کردند و پراکنش یافتند. شواهد باستان‌زمین‌شناسی می‌دانیم که آخرین دوره یخبندان در کره زمین، در حدود 14000 سال پیش آغاز شده و در حدود 10000 سال پیش پایان یافته است. دوره‌های یخبندان موجب ایجاد یخچال‌های بزرگ و وسیع در قطب‌ها و کوهستان‌های مرتفع شده و در سرزمین‌های عرض‌های میانی و از جمله ایران به شکل دوره‌های بارانی و بین‌بارانی نمودار می‌شود. دوره‌های بارانی همزمان با دوره‌های بین‌یخچالی و دوره‌های بین‌بارانی همزمان با دوره‌های یخچالی دیده شده‌اند. رسوب‌های چاله‌های داخلی نشان می‌دهد که ایران در دوره‌های گرم بین‌یخچالی شاهد بارندگی‌های شدیدی بوده که موجب برقراری شرایط آب‌وهوایی مرطوب و گسترش جنگل‌ها در نجد ایران شده و در دوره‌های سرد یخچالی به استقبال شرایط آب‌وهوایی سرد و خشک می‌رفته است. بدین ترتیب در حدود 10000 سال پیش، با پایان یافتن آخرین دوره یخبندان، شرایط آب‌وهوایی گرم و مرطوب در ایران آغاز می‌شود. شواهد باستان‌زمین‌شناسی نشان می‌دهد که با آغاز دوره گرم و مرطوب و عقب‌نشینی یخچال‌ها به سوی شمال، به مرور بر میزان بارندگی‌ها افزوده می‌شود. بطوریکه در حدود 6000 سال تا 5500 سال پیش به حداکثر خود که 4 تا 5 برابر میزان متوسط امروزی بوده است، می‌رسد. متعاقب آن آب دریاچه‌های داخلی بالا می‌آید و به بالاترین سطح خود می‌رسد و تمامی چاله‌ها، کویرها، دره‌ها و آبراهه‌ها پر از آب می‌شوند. این دوره‌ای است که در اساطیر ملل مختلف با نام‌های گوناگون و از جمله توفان عصر جمشید و توفان نوح یاد شده است. افزایش بارندگی و طغیان رودخانه‌ها یکبار دیگر در حدود 4500 سال پیش شدت می‌گیرد، اما بزودی بارندگی‌ها پایان یافته و در حدود 4000 سال پیش خشکسالی و دوره گرم و خشکی آغاز می‌شود که در 3800 سال پیش به اوج خود می‌رسد و همانطور که پس از این خواهیم دید، این زمان مصادف با جابجایی بزرگ تمدن‌ها در فلات ایران و افول و خاموشی بسیاری از سکونتگاه‌ها و شهرها و روستاهای باستانی ایران است. آب‌وهوای گرم و مرطوب دوران میان 10000 تا 4000 سال پیش، پوشش گیاهی غنی و جنگل‌های متراکم و انبوهی را در سرزمین ایران و حتی در صحاری امروزی خشک و بی‌آب و علف ترتیب داده بوده است. در آن دوران گسترش جنگل‌ها و عقب‌نشینی صحراهای گرم، سرزمین سبز و خرمی را در ایران بزرگ شکل داده بود و دشت‌های شمال افغانستان امروزی از ساواناهای وسیع (جنگل‌های تَنک) و علفزارهای مرطوب پوشیده بوده است. فراوانی دار و درخت در شمال افغانستان و بخصوص بخش غربی آن که بادغیس (در اوستا «وئیتی‌گئیس») خوانده می‌شود، در متن پهلوی بندهش گزارش شده است: «واتگیسان جایی است پر از دار و پر از درخت». این وضعیت اقلیمی شمال افغانستان در متون تاریخی عصرهای میانه نیز آمده است؛ مسعودی در مروج‌الذهب از بلخ زیبا با آب و درخت و چمنزارهای فراوان، یاد می‌کند؛ واعظ بلخی در فضائل بلخ از صد هزار درخت بلخ نام می‌برد؛ نظامی عروضی از قول شهریار سامانی آنجا را به جهت خرمی و سرسبزی از بهشت برتر می‌داند؛ و فریه سیاح، مراتع بادغیس را بهترین مراتع تمام آسیا می‌داند. امروزه بخش‌های وسیعی از بادغیس و بلخ از صحاری خشک و شن‌های روان تشکیل شده است. این شن‌های روان و بیابان‌های سوزان بویژه در پیرامون کرمان و سیستان با گستردگی هر چه

بیشتر دیده می‌شوند؛ در حالیکه در متون تاریخی دو هزار سال پیش به جنگل‌ها و چمنزارهایی در این نواحی اشاره شده است. در این زمان سرزمین ایران دارای مراتع بسیار غنی و زیستگاه‌های انبوه حیات وحش بوده است.

در این منطقه برکه‌ها، آبگیرها و تالاب‌های طبیعی با آب شیرین که محل زیست انواع آبزیان و پرندگان بوده و همچنین جنگل‌های وسیع و نیزارهای متراکم وجود داشته است. بنابر داده‌های بخش‌های بالا در فاصله 10000 تا 4000 سال پیش، آب‌وهوای گرم و بارانی در سراسر فلات ایران حکمفرما بوده است که علاوه بر آن سطح زمین و رودها و همچنین مصب رودها پایین‌تر از امروز و سطح دریاچه‌ها و آبگیرها بالاتر از سطح امروزی آنها بوده و در نتیجه همه چاله‌های داخلی، سرزمین‌های پست کنار دریاچه‌ها، دره‌ها، کویرها و رودهای خشک امروزی از آب فراوان و شیرین برخوردار بوده‌اند و در سراسر ایران اقلیمی سرسبز با مراتع پهناور و فرآورده‌های گیاهی و جانوری غنی وجود داشته و شرایط مناسبی برای زندگانی انسانی مهیا بوده است. شواهد باستان‌شناسی شرایط آب‌وهوایی گرم و مرطوب در مابین 10000 تا 4000 سال پیش را یافته‌ها و نشانه‌های باستان‌شناختی نیز تأیید می‌کند. از سویی بخش بزرگی از تپه‌های باستانی و سکونتگاه‌های کهن ایران از نظر زمانی به همین دوره 6000 ساله گرم و پر باران تعلق دارند و همه آن‌ها در کنار کویرهای شوره‌زار، رودهای خشک و مناطق بی‌آب و علف پراکنده‌اند که این نشان از شرایط بهتر آب‌وهوایی در زمان شکل‌گیری و دوام آن تمدن‌ها دارد. استقرار این تمدن‌ها در کنار چاله‌ها و کویرهای خشک و نم‌زار، نشانه وجود آب فراوان و شیرین در آنها بوده است و خشک‌رودهای امروزی مجاور تپه‌ها، آب کافی و زلال اهالی شهر یا روستا را تأمین می‌کرده است.

از سویی دیگر در کنار دریاهای امروزی نشانه‌ای از تپه‌های باستانی به چشم نمی‌خورد. تپه‌های باستانی در جنوب با ساحل خلیج فارس فاصله‌ای چند صد کیلومتری دارند که نشان می‌دهد در دوران یخبندان که سطح دریاهای جنوب پایین‌تر از سطح فعلی بوده، پس از بالا آمدن آب دریا، سکونتگاه‌های انسانی به زیر آب رفته است و در دوران بین‌یخبندان که سطح دریاهای جنوب بالاتر و همچنین سطح زمین پایین‌تر بوده و رسوب‌های ناشی از سه رود بزرگ کارون، دجله و فرات کمتر جایگیر شده بودند، آب خلیج فارس تا نزدیکی‌های تمدن‌های آنروز در شوش و سومر می‌رسیده است. کتیبه‌های سومری به روایت این نفوذ آب‌ها به درون میاندورود پرداخته و از شهر باستانی «اریدو» به عنوان «شهری در کنار دریا» نام برده‌اند. سکونتگاه‌های باستانی در شمال و در کرانه دریای مازندران نیز با ساحل فاصله‌ای ده‌ها کیلومتری دارند، که نشان می‌دهد در زمان رونق آن باشگاه‌ها، سطح دریای مازندران بالاتر از امروز بوده است. همچنین باقیمانده سدهای باستانی و از جمله سد و بندهای ساخته شده بر روی دره‌ها و آبراهه‌های کوه خواجه در سیستان نیز نشانه بارندگی‌های بیشتر در زمان خود است. این بندها آب مصرفی لازم برای نیایشگاه‌ها و دیگر ساختمان‌های بالای کوه خواجه را تأمین می‌کرده‌اند.

امروزه نه تنها آن آبراهه‌ها، بلکه حتی دریاچه هامون نیز کاملاً خشک شده است. خشکسالی‌های کوتاه مدت

اخیر در ایران نشان داد که حتی چند سال کمبود بارندگی می‌تواند به سرعت

دریاچه‌ها و آبگیرها و رودهای بزرگ را خشک سازد و چرخه حیات و محیط زیست را در آنها نابود کند.

خشک شدن دریاچه ارزن در فارس و زاینده‌رود در اصفهان نمونه‌ای از این پدیده نگران کننده بود. نشانه‌های

باستان‌شناختی، همچنین آثار رسوب‌های ناشی از سیل‌های فراوان در حدود 5500 سال پیش را تأیید می‌کند. به

عنوان نمونه می‌توان از حفاری قره‌تپه توسط استاد میر عابدین کابلی در منطقه قم‌رود که با هدف ثبت دامنه

دگرگونی‌ها و تغییرات ناشی از طغیان آب‌ها انجام شد، نام برد. بر این اساس در حدود 5500 سال پیش وقوع سیل‌های مهیبی منجر به متروک و خالی از سکنه شدن کل منطقه قم‌رود و مهاجرت مردم به ناحیه‌های مرتفع‌تر مجاور شده است. علاوه بر اینها، وجود نگاره‌های روی سفال از غزال، فیل، گوزن، پرندگان وابسته به آب و آبیان، و حتی لاک‌پشت، ماهی و خرچنگ، نشانه شرایط مطلوب آب‌وهوایی در زمان گسترش آن تمدن‌ها بوده است. و دیگر، سرگذشت فریدون در شاهنامه فردوسی و تقسیم پادشاهی جهان بین سه

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «آریاییان از ایران به دیگر سرزمین‌ها مهاجرت کردند نه از بیرون به ایران!»، پارسیان دژ، ۱۳۹۱.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1186/pdf/آریاییان-از-ایران-به-دیگر-سرزمین-ها-مها.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵